

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مَدَنِي نَوَاحِلُ الْفَلَسْطِينِ

انتظار

سید مرتضیٰ مجتبیٰ سیستانی



انتظار

تألیف:

سید مرتضیٰ مجتهدی سیستانی

نوشتۀ حاضر
بخشی از کتاب «اسرار موقّیت» است
که تاکنون به زبان‌های عربی، اردو،
انگلیسی، اندونزی، سندی و آذربایجانی
ترجمه و چاپ شده است.



انتظار

مؤلف: سید مرتضی مجتهدی سیستانی
ناشر: نشر الماس
چاپ: ذاکر
نوبت چاپ: پنجم
تاریخ چاپ: خرداد ۱۳۹۲
قطع و صفحه: پالتوی / ۴۸
تیراژ: ۳۰۰۰ جلد
قیمت: ۱۵۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۷۷۵۳-۰۴-۷ ISBN

نشر الماس: ۰۹۱۲ ۲۵۱ ۰۳۵۸ - ۰۹۱۲ ۱۵۳ ۹۹۷۹
سایت مؤلف: پایگاه علمی المنجی WWW.almonji.com
پست الکترونیکی: [Email:info@almonji.com](mailto:info@almonji.com)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قسمتی از زیارت حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه :

ای رهبران پاک

ای نورهای جاویدان الهی

ای دیدگان خداوند در میان آفریدگان

من در انتظار امر شما و فرا رسیدن حکومت شما هستم

من با شما هستم نه با غیر شما

من به شما ایمان دارم و از دشمنانتان بیزارم

بحار الأنوار: ۱۰۰/۳۴۵، الصحيفة المباركة المهدية: ۵۸۴

فهرست مطالب

ارزش انتظار	۷
عوامل انتظار	۱۰
۱- آشنایی با مقام امام زمان ارواحنا فداه	۱۲
۲- آشنائی با آثار انتظار:	۱۶
۱- گریزان یأس و ناامیدی	۱۶
۲- تکامل روحی	۱۸
مرحوم شیخ انصاری در منزل امام زمان ارواحنا فداه	۲۱
رمز موفقیتها و راز محرومیتها	۲۳
۳- شناخت مقام ولایت	۲۹
۴- شناخت مدعیان	۳۰
۲- آشنایی با مقام منتظران تکامل یافته	
یا اصحاب بزرگ امام عصر ارواحنا فداه	۳۱

۳۳	اشاره‌ای به قدرت آنان
۳۷	آشنایی با زمان ظهور
۳۷	۱- پاکسازی باطن
۴۰	۲- تکامل عقلا در زمان ظهور
۴۳	۳- تحوّل عظیم در جهان
۴۷	نتیجه بحث

از فرمایشات حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام :

أَفْضَلُ عِبَادَةِ الْمُؤْمِنِ اِنْتِظَارُ فَرَجِ اللَّهِ

برترین عبادت مؤمن آن است که از سوی خدا،

انتظار گشایش و فرج داشته باشد.

ارزش انتظار

انتظار، از ویژگیهای عالی مردانی است که در راه موفقیت، گام برمی دارند. زیرا بر اساس گفتار گهرباری که خاندان وحی در پیرامون شخصیت مردان بزرگ در دوران غیبت، بیان فرموده‌اند؛ منتظران راستین ظهور، بافضیلت‌ترین مردم همه زمانها هستند.

به این جهت گروهی - با برداشت کاملی که از مسأله انتظار دارند - آن را مهم‌ترین عامل موفقیت، در این روزگار می‌دانند و معتقدند، انسان می‌تواند همه عوامل تعالی و

تکامل را در «انتظار راستین» جستجو نموده و به وسیله آن بر فراز آسمان معنویت به پرواز درآید و خود را از مشکلات و گرفتاریهای اجتماعی و گرفتگیهای روحی نجات بخشد. انتظار، به معنای واقعی و کامل آن، حالتی است دشوار، که گویی هاله‌ای از اسرار، آن را احاطه کرده است و اندک مردمانی وارسته، به کمال آن راه یافته‌اند و از بافته‌های دشمنان سر تافته‌اند.^۱

زیرا انتظار در مرحله عالی و نهائی آن - که در اصحاب خاص امام زمان ارواحنا فداه وجود دارد - به معنای آمادگی و کمک - با استفاده از قدرت‌های غیر عادی - برای پیاده کردن نظام آسمانی و خدمتگزاری در حکومت ملکوتی حضرت بقیة الله ارواحنا فداه است.

۱. افرادی که با توسل و یاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مراسم انتظار را به پا می‌دارند، زیادند و بحمدالله برگزاری این گونه مجالس رو به افزایش و گسترش است و مقصود ما نفی این گونه مجالس و این گونه افراد و منتفی بودن حالت انتظار در آنان نیست. زیرا انتظار دارای مراتب است و آنان که به کمال انتظار و مراحل عالی آن راه یافته‌اند، - گرچه تعدادشان کم است - از میان همین گونه افراد برخاسته‌اند و با تلاش و کوشش و تحمل سختیها و ناگواریها، در راهی که برگزیده‌اند، از پای ننشسته‌اند.

زخوف بادیه دل بد مکن ببند احرام که مرد راه نیندیشد از نشیب و فراز

انتظار، در هر مرحله‌ای که تحقق پذیرد، یک نوع استمداد باطنی از عالم غیب و راه تقرب به خداوند است و اگر تداوم یافته و تکامل یابد، با مرور زمان تیرگیهایی که در اعماق وجود انسان وجود دارد و در نفس و ضمیر ناخودآگاه او قرار گرفته است، نابود می‌کند و دریچه‌هایی از نور و روشنایی را در باطن انسان روشن می‌سازد و از این طریق راه تکامل را به سوی او می‌گشاید. زیرا انتظار، حالت آمادگی در تمام ابعاد لازم است و توجه باطن را به سوی جهانی از صفا، صمیمیت و نورانیت جذب می‌کند. جهانی که همه قدرت‌ها و توانایی‌های اهریمنی و شیطانی در آن نابود می‌شود و انوار الهی بر اعماق جان همه انسانهای سراسر گیتی می‌تابد.

با توجه به این حقیقت، می‌گوئیم: کسی به مراحل عالی صراط انتظار گام نهاده است، که دارای قدرتهای خارق العاده باشد. زیرا همان گونه که می‌دانیم؛ حکومت امام عصر ارواحنا فدا، یک حکومت ملکوتی و فوق العاده می‌باشد. - که درک کامل آن برتر از قدرت اندیشه ما است - و باید یاورانی پروانه‌وار گرداگرد حضرت بقیةالله ارواحنا فدا جمع گشته و در صف مقدم به یاری آن بزرگوار پردازند که خود مرد راه

باشند و قدرت اطاعت فرمانهای ملکوتی آن بزرگوار را که نیاز به داشتن قدرتهای خارق العاده دارد^۱، داشته باشند. روایاتی که اوصاف و ویژگیهای سیصد و سیزده تن از یاوران ممتاز امام عصر ارواحنا فداه را بیان می‌کنند، آنان را دارای قدرتهای روحی و غیر عادی - حتی در زمان غیبت - معرفی می‌نمایند.

عوامل انتظار

ما باید سعی کنیم از حقیقت معنای انتظار آگاهی یافته و این حالت را در خود و دیگران ایجاد کنیم. برای فراگیر شدن مسئله انتظار و آموختن و جلوه دادن عظمت آن به دیگران، راه‌های گوناگونی وجود دارد که با استفاده از آنها، می‌توانیم حالت انتظار را در جامعه ایجاد نمائیم و در ژرفای وجود آنان، بذر انتظار را بارور سازیم. اینک بعضی از مهمترین راه‌هایی را که به وسیله آنها جامعه به سوی مسئله انتظار گرایش پیدا می‌کند، یاد آور می‌شویم.

۱- آشنایی با مقام عظیم ولایت و شناخت عظمت امام زمان علیه السلام.

۱. در روایات متعدد به استفاده از قدرتهای خارق العاده در حکومت امام عصر ارواحنا فداه، تصریح شده است.

۲- آشنایی با آثار شگفت انتظار به معنای کامل و مراحل عالی آن.

۳- آشنایی با اوصاف و ویژگیهای اصحاب امام عصر ارواحنا فدا، که به مرحله عالی انتظار رسیده و از قدرتهای عظیم روحی برخوردار شده‌اند و فرمانهای امام زمان ارواحنا فدا را انجام می‌دهند.

۴- آشنایی با آینده انسان و جهان، تحولات عظیم و دگرگونیهای مهمی که در زندگانی مردم زمان ظهور، واقع می‌شود.^۱

معرفت به مقام امام زمان ارواحنا فدا، شناخت یاوران بزرگ آن حضرت، و تکمیل عقلها و تکامل علمی، ارتباط با عالم نامرئی و غیب، شناخت موجودات ناشناخته، سفر به آسمان و فضاهاى دور و مسائلى دیگر از این قبیل، مردم را به سوى مسأله ظهور امام عصر عجل الله تعالى له الفرج فرا مى خواند و حالت انتظار و آمادگی برای دولت پرشکوه و اسرارآمیز آن حضرت را در آنان ایجاد می‌کند.

۱. راه‌های دیگری نیز وجود دارد که انسان را به سوی «انتظار» فرا می‌خواند و ما درباره بعضی از آن‌ها در کتاب «اسرار موفقیّت» توضیح داده‌ایم؛ مانند مسأله اخلاص، آشنایی با معارف، محبت اهل بیت (علیهم‌السلام)، خودسازی و ...

علم و آگاهی از این گونه حقائق، شور و نشاط را در دل و جان همه مردمان پاک طینت، به وجود می‌آورد و آنان را شیفته آن روزگار پرشکوه می‌کند و حالت انتظار و توقع ظهور را که از وظائف مسلم هر انسان است، در جامعه ایجاد می‌کند. اینک به توضیح مطالب یاد شده می‌پردازیم:

۱- آشنایی با مقام امام زمان ارواحنا فداه

آشنایی با خصوصیات و اوصاف امام زمان ارواحنا فداه، و توجه به وجود باعظمت آن بزرگوار، عامل مهمی برای ایجاد حالت انتظار است.

زیرا توجه به این نکته که اکنون در سراسر گیتی و در تمامی جهان آفرینش، کسی به جز آن بزرگوار شایسته رهبری و اصلاح عالم هستی نیست، انسان را به سوی آن حضرت جذب می‌کند.

آن بزرگوار آخرین ذخیره الهی و تنها بازمانده امیران جهان هستند که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام درباره آنان می‌فرمایند:

عِلْمُ الْأَنْبِيَاءِ فِي عِلْمِهِمْ وَسِرُّ الْأَوْصِيَاءِ فِي سِرِّهِمْ
وَعِزُّ الْأَوْلِيَاءِ فِي عِزِّهِمْ، كَالْقَطْرَةِ فِي الْبَحْرِ

وَالذَّرَّةَ فِي الْقَفْرِ^۱.

علم پیامبران، در برابر دانش آنان و سرّ اوصیاء، در برابر سرّ آنان و عزّت اولیاء، در برابر عزّت آنان، همچون قطره‌ای در دریا و همانند ذره‌ای در میان بیابان است.

اینک ما که در زمان آخرین نفر از این خاندان هستیم، وظیفه داریم با توجه به حضرتش و با پیروی از خواسته‌های هدایتگر آن بزرگوار، خود را از تباهی و غفلت نجات دهیم و در انتظار فرا رسیدن حکومت آن حضرت که پرچم هدایت و عدالت را بر افلاک می‌زند، روز شماری کنیم. اگر کسی در این روزگار آن حضرت را بشناسد و از امدادهای غیبی امام زمان عجل الله تعالی فرجه در «زمان غیبت»، آگاهی داشته باشد و با تحولاتی که آن بزرگوار در «زمان ظهور» در سراسر گیتی در انسان و جهان ایجاد می‌نمایند آشنا باشد، همیشه به یاد آن بزرگوار خواهد بود و همان گونه که امر فرموده‌اند^۲ در انتظار طلوع خورشید ولایت بسر خواهد برد.

معرفت، در چنین انسانی، زنگار غفلت را از قلبش

۱. بحار الأنوار: ۱۷۳/۲۵.

۲. رجوع کنید به بحار الأنوار: ۱۴۵/۵۲.

می‌زداید و صفا و نورانیت را جایگزین آن می‌نماید. اینک به روایت جالبی که نشانگر امدادهای غیبی آن حضرت در زمان غیبت می‌باشد، توجه کنید. جابر جعفی از جابر بن عبدالله انصاری از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند:

... ذَاكَ الَّذِي يَفْتَحُ اللهُ - تَعَالَى ذِكْرُهُ - عَلَى يَدَيْهِ
مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا، ذَاكَ الَّذِي يَغِيبُ عَنْ
شِيعَتِهِ وَأَوْلِيَائِهِ غَيْبَةً لَا يَثْبُتُ فِيهَا عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ
إِلَّا مَنْ إِمْتَحَنَ اللهُ قَلْبَهُ بِالْإِيمَانِ.

قال: فقال جابر: يا رسول الله فهل ينتفع الشيعة به
في غيبته؟ فقال صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: اي والذي بعثني بالنبوة أنهم
لينتفعون به ويستضيئون بنور ولايته في غيبته
كانتفاع الناس بالشمس، وإن جلتها السحاب، يا
جابر، هذا مكنون سر الله ومخزون علمه فاكتمه إلا
عن أهله.^۱

... اوست (حضرت مهدی ارواحنا فداه) که خداوند - که
یادش بزر باد - با دستان او مشرق‌ها و مغرب‌های زمین را
می‌گشاید. اوست کسی که از شیعه و اولیانش غایب می‌شود،

۱. کمال‌الدین: ۱۴۶ و ۱۴۷، بحار الانوار: ۲۵۰/۳۶.

بطوری که ثابت قدم نمی ماند بر عقیده به امامت او، مگر کسی که خداوند قلب او را برای ایمان امتحان نموده باشد.

جابر جعفی می گوید: جابر بن عبدالله انصاری به پیغمبر ﷺ عرض کرد: یا رسول الله ﷺ آیا شیعیان در زمان غیبت، از او بهره مند می شوند؟

پیغمبر ﷺ در جواب فرمودند: آری به خدائی که مرا به رسالت مبعوث نموده، آنان به وسیله او بهره مند می شوند در زمان غیبت او، و به وسیله نور ولایت او روشنایی می یابند، همان گونه که مردم از خورشید بهره مند می شوند، گرچه ابر آن را پوشانده باشد. ای جابر، این از سر مکنون الهی و علم مخزون اوست، پس آن را مخفی دار مگر از اهلش.

همان گونه که ملاحظه نمودید، پیغمبر اکرم ﷺ در این روایت با تأکید قسم یاد نموده اند که شیعیان در زمان غیبت امام عصر ارواحنا فداء از مقام ولایت آن حضرت نور می گیرند.

کیست بی پرده به خورشید، نظر باز کند

چشم پوشیده ما، علت پیدائی تست

از لطافت نتوان یافت، کجا می باشی

جای رحم است بر آن کس که تماشایی تست

در زمان غیبت گرچه امام زمان ارواحنا فداء غایب هستند،

ولی در حقیقت پرده غیبت بر قلب های ما است و گرنه

امام علیه السلام نور درخشان هستند و برای کسی که قلبش بینا است آشکارند، اگرچه به ظاهر نابینا باشد.^۱

توجه به این حقیقت، انسان را به مقام ولایت، علم و قدرت آن بزرگوار راهنمایی می‌کند و محبت امام زمان ارواحنا فداه را در قلب‌ها سرشار نموده و انتظار فرا رسیدن حکومت جهانی حضرتش را در دل‌ها ایجاد می‌کند.

۲- آشنائی با آثار انتظار:

۱- گریز از یأس و ناامیدی

در جامعه‌ای که دین در آن نقشی ندارد و مردم در انتظار آینده‌ای بهتر نیستند، سرخوردگی از زندگی، قتل و خونریزی و خودکشی، فراوان به چشم می‌خورد. زیرا مردم عوامل منفی مانند فقر و تنگدستی، ظلم و ستم، تجاوز و قانون شکنی، بی‌اعتنایی به حقوق انسانها و این‌گونه مسائل را می‌بینند، و در برابر آن راه چاره و فرار از این تباهی‌ها را پیدا نمی‌کنند. به این جهت گرفتار بلای خانمان سوز یأس و ناامیدی می‌شوند؛ زیرا به خدا و آینده امید ندارند و راه

۱. برای توضیح مطلب، به حدیث بسیار جالب ابوبصیر و غایب شدن امام باقر علیه السلام به «اسرار موفقیّت: ۲/۲۷۶» رجوع کنید.

گریز از همه این گرفتاری‌ها را دست زدن به خودکشی می‌پندارند. و با دست زدن به این جنایت نه تنها دنیا و آخرت خود؛ بلکه آینده زن و فرزندان و نزدیکان خود را نیز به تباهی می‌کشانند.

ولی شخصی که حالت انتظار را در خود به وجود آورده و هر لحظه امیدوار است تابش انوار تابناک ولایت را بر سراسر هستی بنگرد، هیچ‌گاه حاضر نیست دست به این گونه جنایت بزند و با ریختن خون خویش، زندگی عده‌ای دیگر را نیز به تباهی بکشد. بنا بر این، مسئله انتظار فرج برای او گشایش است و زمینه گریز از ناامیدی و تباهی را فراهم می‌کند. روایتی که می‌آوریم، گواه بر این حقیقت است:

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام
عَنْ شَيْءٍ مِنَ الْفَرَجِ.

فَقَالَ عليه السلام: أَوْلَسْتَ تَعْلَمُ أَنَّ إِنْتِظَارَ الْفَرَجِ مِنَ

الْفَرَجِ؟

قُلْتُ: لَا أَدْرِي إِلَّا أَنْ تُعَلِّمَنِي.

فَقَالَ عليه السلام: نَعَمْ، إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ الْفَرَجِ.^۱

حسن بن جهم می‌گوید: از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام درباره فرج سؤال نمودم. امام علیه السلام فرمودند: آیا نمی‌دانی که انتظار فرج، مقداری از فرج است. گفتم: من خبر ندارم، مگر آن که شما به من تعلیم نمائید. امام علیه السلام فرمودند: آری، انتظار فرج مقداری از فرج است.

۲ - تکامل روحی

انسان می‌تواند با ایجاد انتظار کامل، مقداری از حالات مردم زمان ظهور - مانند تطهیر قلب - را در خویشتن ایجاد کند و به وسیله امید و انتظار، خود را از ناامیدی و تساهی نجات دهد.

به این جهت امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوار خود از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیهم نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمودند:

أَفْضَلُ عِبَادَةِ الْمُؤْمِنِ إِنْتِظَارُ فَرَجِ اللَّهِ^۱.

برترین عبادت فرد مؤمن، این است که از خداوند انتظار فرج داشته باشد.

بنابراین انسان بر اثر داشتن حالت انتظار، می‌تواند بعضی از آثار تکامل در زمان ظهور را در خود ایجاد کند.

۱. بحار الأنوار: ۱۳۱/۵۲.

برای توضیح مطلب به فرمایش امام سجاد علیه السلام به ابی خالد توجه کنید:

عَنْ أَبِي خَالِدِ الْكَابَلِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام:
تَمَتَّدُ الْغَيْبَةُ بِوَلِيِّ اللَّهِ الثَّانِي عَشَرَ مِنْ أَوْصِيَاءِ
رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَالْأُمَّةُ بَعْدَهُ.

یا ابا خالد؛ إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ، الْقَائِلُونَ بِإِمَامَتِهِ،
الْمُنْتَظَرُونَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ، لِأَنَّ اللَّهَ -
تَعَالَى ذِكْرُهُ - أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ
مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمُشَاهَدَةِ،
وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ
يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله بِالسَّيْفِ، أَوْلِيكَ الْمُخْلِصُونَ
حَقًّا، وَشَيْعَتُنَا صِدْقًا، وَالدُّعَاةُ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرًّا
وَجَهْرًا.

وَقَالَ عليه السلام: إِنْ تَنْظَرُ الْفَرَجِ مِنْ أَعْظَمِ الْفَرَجِ ١.

ابی خالد کابلی از حضرت علی بن الحسین علیهما السلام نقل کرده
است که آن حضرت فرمودند:

غیبت به وسیله ولی خداوند که دوازدهمین نفر از اوصیاء
پیغمبر اکرم صلى الله عليه وآله و امامان بعد از اوست، طولانی می شود.

ای ابا خالد، بدرستی مردمانی که در زمان غیبت او هستند و معتقد به امامت او و منتظر ظهور او می‌باشند، برتر از اهل هر زمانی هستند.

زیرا خداوند - که یادش بزر باد - آن قدر از عقل‌ها و فهم‌ها و معرفت به آنان عنایت می‌نماید که غیبت در نزد آنان بمنزله مشاهده است و آنان را در آن زمان به منزله مجاهدینی قرار داده است که در حضور پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با شمشیر می‌جنگند. آنان حقیقتاً با اخلاص هستند و شیعیان با صداقت ما می‌باشند و مردم را در آشکار و پنهان به سوی دین خداوند فرا می‌خوانند.

سپس امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: انتظار فرج، از اعظم فرج است.

دوست نزدیک‌تر از من، به من است

وین عجبت که من از وی دورم

این سخن با که توان گفت که دوست

در کنار من و من مهجورم

منتظران راستینی که در صراط انتظار به تکامل رسیده‌اند، بر اثر آماده ساختن خود برای حکومت قدرتهای غیبی خداوند بر سراسر گیتی، در زمان غیبت به قسمتی از ویژگیهای فردی زمان ظهور - مانند تطهیر قلب - دست

می‌یابند، به گونه‌ای که روزگار تیره غیبت برای آنان بمنزله روز شهود است.

اگر انتظار در آنان دارای این گونه آثار نباشد، پس چگونه انتظار فرج اعظم فرج است؟ آنان با حالت انتظار، میان زمان ظهور و غیبت پیوند می‌زنند و برخی از حالات آن روزگار را در دوران غیبت به دست می‌آورند.^۱

مرحوم شیخ انصاری در منزل امام زمان ارواحنا فداه

اینک برای روشن شدن دل‌ها، جریانی را از شخصیت بزرگ جهان شیعه - که به وسیله داشتن قدرت‌های غیبی در آشکار و نهان به یاری دین خدا برخاست - می‌آوریم: یکی از شاگردان مرحوم شیخ انصاری درباره ارتباط مرحوم شیخ انصاری با امام عصر ارواحنا فداه و تشرّف ایشان به منزل آن حضرت چنین گفته است:

در یکی از زیارات مخصوصه حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام به کربلا مشرف شده بودم. شبی بعد از نیمه شب برای رفتن به حمام از منزل بیرون آمدم، و چون کوچه‌ها گِل

۱. همان گونه که گفتیم، به ندرت افرادی مانند مرحوم سید بحر العلوم و مرحوم شیخ مرتضی انصاری، به این حالات دست می‌یابند.

بود، چراغی همراه برداشتم. از دور شخصی را شبیه به شیخ دیدم. چون قدری نزدیک رفتم، دیدم آری شیخ است. در فکر فرو رفتم که ایشان در این موقع از شب، آن هم در این گل ولای با چشم ضعیف به کجا می رود؟ من برای این که مبادا کسی او را کمین کرده باشد، آهسته در پی او روان شدم تا بر در خانهٔ مخروطی ایستاد و زیارت جامعه را با توجّه خاصی خواند و سپس داخل آن خانه گردید!

من دیگر چیزی نمی دیدم ولی صدای شیخ را می شنیدم، گویا با کسی صحبت می کرد. من به حمام رفتم و بعد به حرم مطهر مشرف گشتم و شیخ را در حرم مطهر دیدم. بعد از پایان مسافرت، در نجف اشرف خدمت شیخ رسیدم و جریان آن شب را به عرض وی رساندم. اوّل شیخ انکار کرد تا پس از اصرار زیاد فرمود:

گاهی برای رسیدن خدمت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مأذون می گردم و پشت درب آن منزل که تو آن را پیدا نخواهی کرد می روم و زیارت جامعه را می خوانم؛ چنانچه ثانیاً اجازه دهند، خدمت آن حضرت شرفیاب می شوم و مطالب لازمه را از آن سرور می پرسم. سپس شیخ فرمود: تا زمانی که در قید حیات می باشم، این مطلب را

پنهان دار و به کسی اظهار مکن.^۱

این گونه شخصیت‌های بزرگ و راه یافته دارای آمادگی کامل برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه می‌باشند، نه آنان که در زمان ظهور با تأویل و توجیه آیات قرآن مجید، به جنگ با آن حضرت می‌پردازند!

کلید گنج سعادت فتد به دست کسی

که نخل هستی او را بود بر هنری

چو مستعد نظر نیستی، وصال مجوی

که جام جم ندهد سود، وقت بی‌بصری

رمز موفقیت‌ها و راز محرومیت‌ها

ممکن است سؤال شود: چگونه مرحوم شیخ انصاری هر گاه اجازه می‌یافت، می‌توانست به منزل امام زمان ارواحنا فداه برود و با خواندن زیارت جامعه و اذن ثانوی، وارد منزل شود و با امام مهربان خویش، سخن بگوید؟ او چگونه به این مقام راه یافته بود، ولی شاگرد آن بزرگوار که او نیز منزل امام عصر ارواحنا فداه را دیده بود، چنین افتخاری نداشت و مرحوم شیخ به او چنین فرمود: تو دیگر

۱. زندگانی و شخصیت شیخ انصاری ص ۱۰۶.

آن خانه را نخواهی یافت؟!

این سؤال مهمی است که پاسخ قانع کننده‌ای لازم دارد. متأسفانه بعضی از افراد برای این گونه سئوالات، جواب‌های آماده و فوری دارند و در برابر این قبیل پرسش‌ها فوراً پاسخ می‌دهند: خدا چنین خواسته است یا خدا با بعضی از افراد - نعوذ بالله - قوم و خویشی دارد و هیچ‌گونه ارتباطی به عمل و خواسته مردم ندارد!

این گونه پاسخ‌ها که بیشتر برای شانه خالی کردن از بار مسئولیت می‌باشد، صحیح نیست. به این جهت نه قانع کننده است و نه هیچ‌گاه کسی را به راهی راهنمایی می‌نماید. ما در پاسخ این سؤال - با توجه به فرمایشات خاندان وحی - می‌گوئیم:

خداوند مهربان همه انسان‌ها را به سوی تکامل معنوی و روحی فرا خوانده است و در دعوت عمومی خود به همه کسانی که در این راه قدم بردارند، اجر و پاداش می‌دهد. همان‌گونه که میزبان، میهمانان خویش را دعوت می‌کند و در صورت شرکت در مجلس، از همه آنان پذیرایی می‌کند؛ خداوند نیز زمینه پیشرفت و تکامل را در انسان‌ها ایجاد نموده و به این‌گونه، آنان را به سوی تکامل دعوت کرده

است. و در قرآن مجید صریحاً فرموده است:

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾^۱

هر کس در راه ما کوشش کند، ما حتماً او را به راه‌های خود هدایت می‌کنیم.

این وظیفه میهمانان است که دعوت خدا را پاسخ گویند و در راه تکامل روحی و پیشرفت معنوی خود، قدم بردارند. بنابراین در انسان‌ها زمینه پیشرفت و تکامل وجود دارد و آنان از این نعمت بهره‌مند هستند؛ ولی آن را بایگانی نموده و از آن استفاده نمی‌کنند. مانند ثروتمندان کوتاه نظری که به انباشته شدن هر چه بیشتر حساب‌های پس انداز خود در بانک‌ها خوشنودند و هیچگاه توفیق استفاده از آن ثروت‌ها را پیدا نمی‌کنند.

برای موفقیت باید از زمینه‌ها و تواناییهای موجود استفاده کنید و کمبودهای خود را نیز جبران نمایید، تا به اهداف بزرگ خود دست یابید.

بسیاری از افراد از نظر ذاتی، توانایی و آمادگی زیادی برای رسیدن به تکامل معنوی و روحی دارند، ولی چون

۱. سوره عنکبوت آیه ۶۹

کاری به این امور ندارند؛ هیچ گونه استفاده‌ای از این گونه توانایی‌ها نمی‌برند و از دنیا کوچ می‌کنند و آن‌ها را به خاک می‌سپارند. همچون ثروتمندانی که در زمان‌های گذشته، برای حفظ ثروت خود، آن‌ها را در دل خاک پنهان می‌کردند و نه خود و نه فرزندانشان هیچ گونه بهره‌ای از آن اموال نمی‌بردند.

برای آن که روشن شود چگونه بعضی از افراد دارای تواناییهای روحی بیشتر و قدرت درک بهتر می‌باشند و چگونه آن را به دست آورده‌اند، گفتاری را از مرحوم شیخ حرّ عاملی که از علماء بزرگ شیعه بوده است می‌آوریم؛ ایشان می‌گویند:

روشن است که دیدن و شنیدن و امثال این‌ها، مستقلاً با چشم و گوش و امثال این دو نیست، بلکه آن‌ها وسیله‌ای هستند برای روح، که روح به وسیله آن‌ها می‌بیند و می‌شنود و... و چون روح انسان قوی نیست، دیدن و شنیدن او مقید و محدود به این گونه اسباب مادی در محدوده خاصّ است. از این جهت فقط مادیات را می‌بیند و از درک مسائل روحی ناتوان است؛ ولی اگر روح انسانی تقویت شود و به وسیله عبادات و انجام واجبات و ترک محرّمات تقرّب به

سوی خداوند پیدا نماید، روح او قوی می‌شود. وقتی روح قوی شد، قدرت استفاده او از مادیات و طبیعیات بیشتر می‌شود. بنابراین با چشمش اشیائی را می‌بیند که دیگران نمی‌بینند و با گوشش چیزهایی را می‌شنود که دیگران نمی‌شنوند و ...

این غلبه و قدرت، در افراد مختلف است؛ همان‌گونه که تقریب آنان به خداوند یکسان نیست. هر کس به وسیله عبادات و مجاهدات به خداوند نزدیکتر شود، حالات معنوی و روحی او قویتر می‌شود و در درک اموری که دیگران قدرت ادراک آن را با چشم و گوش و امثال این دو ندارند، نیرومندتر می‌شود.^۱

با این بیان روشن شد که چرا افرادی همچون مرحوم شیخ انصاری می‌توانند به آن نعمت بزرگ دست یابند، ولی افراد دیگر این قدرت و توانایی را ندارند و دیدگان آنان عاجز از دیدن این گونه امور است.

دارا بودن حالت انتظار به معنای کامل آن، درک این گونه امور را برای شما به ارمغان می‌آورد.

۱. رجوع کنید به فوائد الطوسیة مرحوم شیخ حرّ عاملی: ۸۲.

دیده باطن چو بینا می شود

آنچه پنهان است، پیدا می شود

منتظرانی که در صراط انتظار سوخته‌اند و خود را ساخته‌اند، با فرار از هوای نفس و پرواز و ترقی روح، از تسلط نفس خارج می شوند و جاذبه نفس قدرت ندارد آنان را به سوی خود بکشاند. همان گونه که سفینه‌های فضایی آن گاه که از مدار زمین خارج می شوند، جاذبه زمین دیگر نمی تواند آنها را به سوی خود بکشاند؛ شما نیز اگر با مرور زمان، خود را از مدار هواهای نفسانی خارج کنید، جاذبه نفس و وسوسه شیطان در شما تأثیری ندارند.

یاران اهل بیت علیهم السلام همچون جناب سلمان این گونه بودند. آنان از مدار نفس خارج شده و از قید مادیات رها گشتند؛ از این رو با عالم غیب در ارتباط بودند. ولایت و قدرتی که سلمان داشت، از این جهت بود که از مدار نفس خارج شده و هواهای خود را نابود کرده بود. و میل و اراده امیرالمؤمنین علیه السلام را حاکم بر میل و اراده خود قرار داده و به این جهت از قدرت‌های نهان و نیروهای غیبی بهره‌مند بود و استفاده می کرد.

۳- شناخت مقام ولایت

انتظار ظهور، قدرتِ ولایت امام زمان ارواحنا فدا را در قلب و جان شخص منتظر استحکام می‌بخشد و او را بر این عقیده ثابت و استوار می‌نماید که روزی از کنار خانه خدا، قدرت الهی بدست آن حضرت آشکار می‌شود و همه طاغوتیان جهان را که زالو صفت به مکیدن خون ضعیفان پرداخته‌اند، به سزای اعمال ننگینشان می‌رساند، و با صلابت و قدرت عظیم ولایت، به همه جهانیان ثابت و روشن می‌کند، کسی دارای مقام امامت و ولایت است که بتواند قدرت خدا را ظاهر و آشکار نماید.

این، اندیشه و اعتقاد یک فرد منتظر است. بنابراین انتظار ظهور، همراه با اعتقاد به عقاید و معارف اصیل دین می‌باشد؛ زیرا که انتظار، بذر معرفت و شناختِ اعتقادات را در اذهان منتظران بارور می‌کند و به آنان تفهیم می‌کند: سرانجام، سراسر گیتی در تحت سیطره قدرت ولایت سر و سامان می‌یابد و قدرت عظیم و ناشناخته ولایت، همه قدرتهای ستمگر جهان را به زانو در می‌آورد و تمدن مادی جهان در برابر نیروی بیکران ولایت الهی تاب نیاورده و عالم در اختیار نیروهای شگفت‌انگیز مصلح جهان ارواحنا فدا قرار می‌گیرد.

۴ - شناخت مدعیان

در طول تاریخ شیعه، افراد متعددی با ادعای مهدویت قیام نموده‌اند و خود را رهبر و مصلح مردم معرفی نموده‌اند، و با این حيله خون و جان و مال انسان‌ها را پایمال نموده و عده‌ای را به گمراهی کشانده‌اند؛ ولی افرادی که صادقانه در صراط انتظار قدم برداشته‌اند و وجود خود را با انوار تابناک ولایت روشن ساخته‌اند، فریب این شیادان را نخورده‌اند و به دام این شیادان گرفتار نشده‌اند و با زبان حال به آنان گفته‌اند:

برو این دام بر مرغ دگر نه

که عنقا را بلند است آشیانه

آگاهی آنان و شناخت شیادان و دزدان طریق، به خاطر

آشنایی آنان با مقام رفیع امامت است.

به این جهت آب حیات را به سراب نمی‌فروشند و غاصبان

خلافت را به امامت بر نمی‌گزینند.

۳- آشنایی با مقام منتظران تکامل یافته

یا اصحاب بزرگ امام عصر ارواحنا فداه

یکی دیگر از اموری که باعث جذب شدن مردم به صراط انتظار است آشنا شدن با مقام منتظران تکامل یافته یا اصحاب امام عصر ارواحنا فداه می باشد.

از آثار شگفتی که انتظار، برای منتظران تکامل یافته به ارمان می آورد، این است که نه تنها آنان از نظر عقیده و اعتقاد، عارف به مقام عظیم ولایت اهل بیت علیهم السلام هستند؛ بلکه خود، روزنه‌ای از نور پرفروغ خورشید ولایت می باشند. یعنی بر اثر تکامل در مسیر انتظار تا حدّ ظرفیت خویش، از مقام خاندان وحی قدرت‌های معنوی و روحی کسب نموده‌اند، و با استفاده از آنها، مأموریت‌هایی که به آنان داده می شود، انجام می دهند.

این گونه افراد، سرآمد یاوران امام زمان ارواحنا فداه می باشند و پیشتازان به سوی مقام ولایت آن حضرت می باشند.

اینک به این نکته توجه کنید که خداوند کریم در قرآن

مجید می فرماید:

﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً﴾^۱.

در خیرات از یکدیگر سبقت بگیرید. هر جا که باشید خداوند همه شما را می آورد.

این آیه درباره سیصد و سیزده تن از بزرگان اصحاب امام عصر ارواحنا فداه است که در روز ظهور، خداوند بزرگ آنان را در کنار خانه خود به گرد وجود مقام ولایت کلیه جمع می کند، تا به یاری آن حضرت بشتابند و به زندگی سیه دلان روزگار خاتمه بخشند.

گاهی سئوالی مهم به ذهن بعضی از افراد می آید، که آیا مقصود از سبقت گرفتن آنان در خیرات چیست؟ و سیصد و سیزده تن از یاوران پیشتاز حضرت مهدی ارواحنا فداه، با دارا بودن چه خصلتی بر دیگران سبقت می گیرند و به آن مقام بزرگ نائل می شوند؟!

با هم به مکتب وحی رو می آوریم و پاسخ آن را این گونه می یابیم:

حضرت امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ای که ذکر کردیم، چنین می فرمایند:

۱. سوره بقره آیه ۱۴۸.

الْخَيْرَاتُ؛ الْوَلَايَةُ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ^۱

مقصود از خیرات - که در آیه ذکر شده - ولایتی است که از آن ما اهل بیت است.

اشاره‌ای به قدرت آنان

هر چه انسان در پذیرش ولایت بکوشد، روح خود را قویتر می‌کند و قدرت غیر عادی او افزایش می‌یابد؛ تا حدی که می‌تواند بر اثر قدرت روح، بر موجودات مادی و حتی غیر مادی حکومت کند.

اینک به ذکر داستانی جالب از مرحوم علامه بحرالعلوم می‌پردازیم:

مرحوم علامه سید بحرالعلوم مبتلا به مرض خفقان بود و با این مرض در وقت تابستان به قصد تشرّف به کربلا در یکی از زیارات مخصوصه حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام در روزی بسیار گرم، از نجف اشرف خارج شد.

مردم تعجب نمودند که با این مرض و گرمی هوا، ایشان چگونه به مسافرت می‌روند؟!

در میان همسفرهای ایشان، مرحوم شیخ حسین نجف

۱. الغیبة مرحوم نعمانی: ۳۱۴.

بود که از علماء مشهور عصر سیّد بود.

آنان چون بر مرکب‌های خود سوار شده و به راه افتادند، ابری در هوا پیدا شده بر آنها سایه افکند و نسیم سردی وزیدن گرفت و هوا بطوری خنک شد که گویا در سرداب هستند.

ابر همچنان بر آنها سایه افکنده بود، تا آن که نزدیک «خان شور» رسیدند. در آنجا کسی از آشنایان عالم بزرگ، شیخ حسین نجف پیدا شده و ایشان از سیّد بحرالعلوم جدا شد و به احوالپرسی و صحبت پرداخت.

آن ابر، بر سر سیّد سایه می‌افکند تا آن که سیّد وارد کاروانسرا شد. چون حرارت آفتاب بر شیخ حسین نجف تابید، حالش دگرگون گردید و از مرکب به زمین افتاد و به خاطر کهولت سن یا به جهت ضعف بنیه، بیهوش شد.

پس او را برداشته، به کاروانسرا به نزد مرحود سیّد بحرالعلوم رساندند. بعد از آن که به هوش آمد، به آن بزرگوار عرض کرد: «سیدنا لِمَ لم تدرکنا الرحمة؟» چرا رحمت ما را فرا نگرفت؟

سیّد فرمود: «لِمَ تخلفتم عنها؟» چرا از رحمت تخلف

نمودید. و در این جواب توریه ایست لطیف.^۱
 قدرت تصرف یاوران خاص امام عصر ارواحنا فداه این
 گونه است. عده‌ای از سبید و سیزده تن از یاوران خاص
 امام عصر ارواحنا فداه از ابرهای اسرار آمیز استفاده می‌نمایند و
 در ابتداء ظهور، خود را به وسیله ابر به محضر آن بزرگوار
 می‌رسانند. مفضل می‌گوید:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِذَا أَدِنَ الْإِمَامُ دَعَا اللَّهَ بِاسْمِهِ
 الْعِبْرَانِي فَاتِيحَتْ لَهُ صَحَابَتُهُ الثَّلَاثِمِائَةَ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ
 قَرَعُ كَفْرَعِ الْخَرِيفِ وَهُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَّةِ.
 مِنْهُمْ مَنْ يُفَقِّدُ عَنْ فِرَاشِهِ لَيْلًا فَيُصْبِحُ بِمَكَّةَ، وَمِنْهُمْ
 مَنْ يُرَى يَسِيرُ فِي السَّحَابِ نَهَارًا يُعْرَفُ بِاسْمِهِ
 وَاسْمِ أَبِيهِ وَحَلِيبَتِهِ وَنَسَبِهِ.
 قُلْتُ: جَعَلْتُ فِدَاكَ أَيُّهُمْ أَعْظَمُ إِيمَانًا؟
 قَالَ: الَّذِي يَسِيرُ فِي السَّحَابِ نَهَارًا وَهُمْ الْمَقْفُودُونَ
 وَفِيهِمْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ ﴿أَيُّنَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ
 جَمِيعًا﴾ ۳.۲

۱. العبقري الحسان: ۶۹/۲.

۲. سورة بقره، آیه ۱۴۸.

۳. بحار الانوار: ۳۶۸/۵۲، الغيبة نعمانی: ۱۶۸، تفسیر عیاشی: ۶۷/۱.

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر گاه به امام علیه السلام اذن داده شود، خداوند را به اسم عبری او می خوانند، آن گاه یاوران او که سیصد و سیزده تن هستند، برای یاری او مهیا می گردند. آنها ابرهائی هستند همچون ابرهای پائیزی (که به هم می پیوندند و در یک جا جمع می شوند) و آنان پرچمداران (حضرت مهدی علیه السلام) هستند.

بعضی از آنان شبانه از خوابگاه خود ناپدید می شوند و در مکه صبح می کنند، وعده ای دیگر از آنان دیده می شوند که روز در ابرها سیر می کنند و به نام خود و نام پدر و صفت و نسبشان شناخته می شوند.

گفتم: کدام یک از این دو دسته از نظر ایمان با عظمت تر هستند؟

امام صادق علیه السلام فرمودند: آنان که در روز در ابرها سیر می کنند و اینان هستند که از مکان های خود ناپدید می شوند و درباره آنان این آیه نازل شده است: «هر جا که باشید، خداوند تمامی شما را می آورد».

* * *

آشنایی با زمان ظهور

آشنایی با وضع جهان در روزگار ظهور و تحوّل عظیمی که در آن زمان رخ می‌دهد، انسان را به سوی مسأله انتظار فرا می‌خواند.

تحوّل شگفت‌انگیزی که در سراسر جهان و در انسان‌ها پیدا می‌شود، انسان و جهان را به صورتی دیگر جلوه‌گر می‌سازد.

۱- پاکسازی باطن

اینک به تشریح کوتاهی از تحولاتی که در اعماق وجود انسانها به وجود می‌آید، توجه کنید:

یکی از مسائل اعتقادی، بحث طینت و چگونگی آمیخته شدن طینتهای پاک و ناپاک به یکدیگر است. در روایات بیان نموده‌اند که مقصود از طینت چیست و چرا طینت‌ها به هم آمیخته شدند و چگونه پاکسازی شده و از یکدیگر جدا می‌گردند؟ تفصیل این مسئله با حجم کوچک بحث ما مناسب نیست؛ از این رو تنها به این نکته اشاره می‌کنیم:

از ویژگی‌های روزگار ظهور، پاکسازی طینت‌ها از

آمیختگی‌ها و پاکسازی نفس و ضمیر ناخودآگاه از آلودگی‌هایی است که در اعماق وجود انسان وجود دارد. چرا می‌گوئیم در روزگار ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه، مردم از آمیختگی‌ها و آلودگی‌ها پاک می‌شوند؟ قبل از پاسخ به این سؤال، داستانی را به خاطر توضیح مطلب می‌آوریم:

شیبۀ بن عثمان یکی از دشمن‌ترین دشمنان پیغمبر اکرم ﷺ بود و آرزوی قتل آن حضرت را در سر می‌پروراند. او در جنگ «حنین» شرکت کرد تا پیغمبر را به شهادت برساند. و آن‌گاه که مردم از اطراف آن حضرت پراکنده شدند و پیغمبر تنها ماندند، از پشت سر خود را به ایشان رساند، ولی شعله‌ای از آتش به سوی او بلند شد؛ به طوری که طاقت تحمل آن را نداشت. به این جهت نتوانست به مقصود خود دست یابد.

پیغمبر اکرم ﷺ به او رو نموده و فرمودند: شیبۀ نزدیک بیا! آن‌گاه حضرت رسول ﷺ دست خود را بر سینۀ او گذاردند. بر اثر این کار، محبت آن بزرگوار در قلب او جای گرفت؛ به طوری که پیغمبر اکرم ﷺ، محبوب‌ترین فرد نزد او شدند. آن‌گاه در حضور آن حضرت به جنگ با

مخالفان پرداخت، به طوری که اگر در برابر پدر خود قرار می‌گرفت، او را به خاطر یاری پیغمبر اکرم ﷺ می‌کشت.^۱ ببینید چگونه دستان پاک پیامبر ﷺ طینت ناپاک و نفس آلوده یکی از سرسخت‌ترین دشمنان را در یک لحظه از ناپاکی و آلودگی نجات داد و او را از صف کفار جدا نمود و در میان لشکر پیغمبر اسلام ﷺ قرار داد.

پیغمبر اکرم ﷺ با کشیدن دستان مبارک خود بر سینه او، عقل او را تکمیل نمودند و به خاطر تحوّل که در طبیعت ناپسند وی به وجود آمد، از ضلالت و گمراهی نجات یافت. پس از بیان این مقدمه به شرح روزگار ظهور می‌پردازیم.

حضرت امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ، فَجَمَعَ
بِهِ عُقُولَهُمْ وَأَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ.^۲

آن گاه که قائم ما قیام کند، دست خود را بر سرهای بندگان خدا می‌گذارد. پس با این عمل، عقل‌های آنان را جمع می‌کند (به این سبب نیروهای عقلی آنان کامل می‌شود) و اخلاق آنان را تکمیل می‌نماید.

۱. سفینه البحار: ۲۰۲/۱، ماده حجب.

۲. بحار الأنوار: ۳۳۶/۵۲.

امام عصر ارواحنا فداه با این رفتار، باطن افراد را پاکسازی می‌کنند و همهٔ بندگان خدا را از آلودگیها نجات می‌بخشند.

۲ - تکامل عقل‌ها در زمان ظهور

اکنون دو نکتهٔ جالب توجه در روایت را، توضیح

می‌دهیم:

۱ - حضرت بقیة الله ارواحنا فداه دست خود را نه فقط بر سر اصحاب و یارانشان؛ بلکه بر سر تمام بندگان خدا قرار می‌دهند. یعنی همهٔ افرادی که بندگی خدا را در آن روز قبول دارند؛ اگر چه در جنگ، از یاوران آن حضرت نباشند مانند کهنسالان و کودکان، از این نعمت بزرگ برخوردار می‌شوند.

۲ - عقول همهٔ مردم از پراکندگی نجات می‌یابد و همه دارای قدرت کامل تمرکز فکر و تعقل که منشأ علوم و درک‌های خارق العاده است، می‌شوند. کامل شدن نیروهای عقلی آنان، به این معنی است که می‌توانند از تمامی قدرت‌های مغزی خود استفاده کنند.

آری در روزگاری که دست الهی بر سر مردم جهان قرار گیرد و انسان‌های زجر کشیدهٔ دوران غیبت را نوازش دهد، نیروهای پنهان و نهفته در مغز انسان‌ها بر اثر تکامل عقلی،

تجلی و ظهور می‌یابد و به عالی‌ترین مراحل تکامل علمی و عملی و تمدن شگفت‌انگیز روزگار ظهور دست می‌یابند. برای آن که با قدرت مغز و آثار شگفت تکامل عقلی، آشنایی بیشتری پیدا کنید، به تشریح قدرت عظیم مغز می‌پردازیم:

«هر انسانی اعم از نابغه یا عادی، چیزی بیش از یک میلیارد ظرفیت مغز خویش را در دوران زندگی به کار نمی‌گیرد. اگر فقط یک میلیارد توانایی و ظرفیت کلی مغز، اعم از مغز یک نابغه یا مغز یک انسان عادی به کار گرفته شود، تفاوتی که بین آنها دیده می‌شود، یک تفاوت کیفی خواهد بود نه کمی»^۱ یعنی حتی افراد نابغه‌ای که از قدرت عجیب فکری برخوردارند؛ فقط می‌توانند از یک میلیارد مغز خود استفاده کنند نه بیشتر. ولی چگونگی بهره‌گیری آنان از یک میلیارد مغز خود بهتر از دیگران است.

«سالها پیش از این، یکی از ریاضی‌دانان معاصر، مطلبی پر سر و صدا را به آگاهی مردم رساند. او تخمین زد که مغز انسان عملاً می‌تواند ده واحد اطلاعاتی را در خود ذخیره سازد. این رقم را اگر به زبان ساده بیان کنیم، به این معنی

۱. تواناییهای خود را بشناسید ص ۳۴۷.

خواهد بود که هر یک از ما می‌تواند کل محتوای اطلاعاتی میلیون‌ها جلد کتاب موجود در بزرگترین کتابخانه جهان در مسکو را به حافظه بسپارد. سخن فوق در نگاه نخست، همانند محاسباتی که در تأیید آن به عمل آمده، حیرت‌انگیز به نظر می‌رسد.^۱

اکنون توجه کنید: در صورتی که قدرت مغز انسان بر اثر تشعشع انوار درخشان مصلح جهان به تکامل رسد و انسان از تمام نیروی مغز خود - نه یک میلیارد آن - استفاده کند و علم و تمدن سراسر گیتی را فراگیرد، صحنه جهان چگونه خواهد بود؟!

در زمانی که انسان بر اثر تکامل عقلی راه‌های استفاده از قدرتهای خفته روح را پیدا نماید و بتواند آنها را بیدار نموده و از آنها بهره‌گیری نماید، می‌تواند جسم خود را تابع روح خویش قرار داده و به قدرت «ترواح» دست یابد. یعنی می‌تواند جسم مادی خود را تبدیل به انرژی و امواج کند و با این کار حالت جسمانیّت و مادّیت را از او بگیرد. وقتی که انسان قادر بر این کار شد؛ کرامت‌های فراوانی که در آن زمان عادی است، برای او محقق می‌شود.

۱. تواناییهای خود را بشناسید: ۴۴.

در زمان غیبت نیز افراد بسیار اندکی که دارای قدرت «طی الارض» هستند، از این راه استفاده می‌کنند و با گرفتن حالت مادّیت و تجسّم از جسم خویش، خود را به صورت انرژی و امواج، تبدیل نموده و در یک لحظه در نقطه دیگری از زمین، خود را ظاهر می‌کنند. آنان با قدرتی که دارا هستند؛ جسم تروّح یافته خود را، به نقطه‌ای که مایل هستند هدایت می‌کنند و در آنجا آن را مجسّم می‌نمایند.

۳- تحول عظیم در جهان

در روزگار پر شکوه ظهور، تحوّل عظیم در زمین رخ می‌دهد و به فرموده قرآن مجید: ﴿يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرِ الْأَرْضِ﴾^۱، زمین به گونه‌ای دیگر و در وضع و شرایط جدید قرار می‌گیرد. نه تنها زمین، بلکه زمان نیز دستخوش تحوّل تازه می‌شود.^۲

«امروز همه دانشمندان بر این نکته هم عقیده هستند که ماده از ارتعاشات تشکیل شده است. ارتعاشات را می‌توان توسط کابل یا امواج صوتی، مثل تصاویر و اصوات، به

۱. سوره ابراهیم، آیه ۴۸.

۲. اشاره به روایتی است که می‌فرمایند: «إِذَا اتَّسَعَ الزَّمَانُ، فَأَبْرَأُ الزَّمَانَ أَوْلَى بِهِ»

بحار الأنوار: ۳۵۴/۴۷.

دورترین نقاط منتقل کرد؛ در نتیجه ارگانیزم انسان را که از ماده ساخته شده، می توان به ارتعاش تبدیل کرد و توسط الکترونیک به هر نقطه عالم فرستاد. نظر من این است که در آینده ای نه چندان دور، حتی قبل از مسافرت های فضایی، می توان روش هایی پیدا کرد تا پیکر آدمی را به ارتعاشاتی تجزیه نمود و آن را به فضا فرستاد و در آنجا ذرات از هم گسسته را به هم متصل ساخت.

حال خوانندگان ما می توانند این را خود قضاوت کنند که انسان روح است و جسم او جز ذرات متمرکز ماده چیز دیگری نیست که با کُند ساختن و پایین آوردن ارتعاشات، می توان آن را به اشکال دلخواه درآورد.^۱

می توان روزی را به چشم دید که انسان پیکر خود را تبدیل به جریان الکترون بسازد تا در پی آن، این جریان را به سوی نقطه دوری هدایت کند و در آنجا تجمع اتم های تشکیل دهنده بدن مجدداً صورت گیرد.^۲

بنابر تکامل عمومی نیروهای عقلی که در روایت به آن تصریح شده، غلبه روح بر ماده همگانی می شود و مردم حاکم

۱. روح زنده می ماند: ۱۵۸.

۲. روح زنده می ماند: ۱۸۸.

بر جسم خود می‌شوند و می‌توانند از این حالت به خوبی استفاده کنند. در آن روزگار پرشکوه ناشناخته، زندگی مردم و احتیاجات آنان به وسائل مادی، به گونه‌ای دیگر است.

در پرتو ظهور ولایت اهل بیت علیهم‌السلام، علم و دانش انسان به عالیترین نقطه امکان می‌رسد، و بشر می‌تواند از تمامی مراحل دانش به راحتی و آسانی بهره‌مند گردد و اسراری را که اولیاء خدا تا آن روزگار از مردم به خاطر آماده نبودن آنان کتمان می‌کردند، فاش می‌نمایند و انسان‌ها را با دنیای اسرار آمیز وجود خود و جهان خارج آشنا می‌کنند و راه تربیت و تکامل نهایی را برای آنان می‌گشایند.

شاید پذیرفتن این گونه مطالب برای ما سخت باشد و این همه پیشرفت در مسائل علمی را نتوانیم بپذیریم؛ در حالی که می‌دانیم، اگر مغز انسان از اسارت شیطان و جهل آزاد شود، لازمه آن، تکامل انسان در تمام ابعاد می‌باشد به گونه‌ای که رازی در جهان ناگفته نمی‌ماند و همه مسائل بغرنج علمی فاش می‌شوند.

حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام - که غاصبان خلافت، تاکنون میلیاردها انسان را از رسیدن به عالیترین مراحل علم و کمال، و تمدن درخشان ولایت محروم ساخته‌اند - در کلامی که از

اعماق وجود آن بزرگوار برخاسته، چنین می‌فرمایند:

يَا كَمِيلٌ؛ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَأَنَا أَفْتَحُهُ وَمَا مِنْ سِرٍّ إِلَّا
وَالْقَائِمُ يَخْتِمُهُ^۱.

ای کمیل، هیچ علمی نیست مگر آن که من او را می‌گشایم و
هیچ سری نیست مگر آن که قائم عليه السلام او را پایان می‌بخشد.

آری آن‌گاه که انوار تابناک از دستان مبارک حضرت بقیة
الله الاعظم ارواحنا فداه مغزهای مردم ستم کشیده و رنج‌دیده
جهان را تکامل بخشد و قدرت استفاده از قدرتهای بسیار
شگفت ایجاد شود، انسان‌ها می‌توانند با تمامی قدرت فهم و
خرد خویش - نه یک میلیاردم آن - پذیرای اسرار مکتب
حیاتبخش خاندان وحی شوند و به نهایی‌ترین مرحله علم و
کمال دست یابند.

در آن روزگار پرشکوه، رازها و اسرار نهفته آشکار خواهد
شد، و از تیرگی و تاریکی‌های این دوران اثری نخواهد بود. آیا
انتظار رسیدن چنین روزی قلب شما را صفا نمی‌بخشد؟!۱

نتیجه بحث

انتظار، حالتی امیدوارکننده و نجات بخش است که منتظران را در دوران سیاه غیبت از گرداب حیرت نجات می بخشد و آنان را به سوی وادی نور و صفا می کشاند .

انتظار، غمزدگان را حیاتی دیگر می بخشد و نیرویی تازه می دهد و دل‌های افسرده را امیدوار می نماید و جهانی از شادکامی و درخشندگی را در اذهان پرورش می دهد.

انتظار، مردمان وارسته را می جوید و حالات خجسته را می نماید و جمال فروزنده را نشان می دهد .

انتظار، موانع و تیرگیها را می زداید و نوری فروزنده در وجود انسانهای تکامل یافته، ایجاد می کند.

انتظار، بذر معارف و اعتقادات اصیل شیعه را در قلب منتظران بارور می کند و کامل ترین حالات معنوی را برای بافضیلت ترین انسان ها به ارمغان می آورد .

اگر می خواهید حالتِ انتظار را در خود ایجاد نموده و تقویت نمائید، با مقام عظیم ولایت اُنس بگیرید و از آثار شگفت انتظار آگاهی یابید و با پیگیری در حالات منتظران تکامل یافته، از خصلت‌ها و ویژگی‌های آنان آگاه شوید و با خجستگی‌های زمان ظهور حضرت بقیّة الله الاعظم

ارواحنا فداه، قلب و جان خود را آشنا کنید، تا ناخودآگاه
انتظار فرا رسیدن آن روزگار پرشکوه، تمام وجودتان را فرا
گیرد.

روز محشر که زهولش سخنان می‌گویند
راست گویند ولی چون شب هجران تو نیست